



A Comparative Review of the Meanings of Disjointed Letters in the Perspectives of Orientalists and Exegetes of Two Major Schools (Shia and Sunni), Emphasizing the Views of His Eminence, The Supreme Leader*

Seyyed Mohammad Reza Hosseini-Nia¹ and Morteza Khalilizadeh² and Ali Asghar Shoaee³



Abstract

The unknown nature of the disjointed letters in the Quran has hindered human understanding of their true meanings. Consequently, various hypotheses and viewpoints have been raised regarding their meanings. Among these, Orientalists present hypotheses derived from their foundations and presuppositions in understanding the Quran, considering it as having a non-divine origin. Their viewpoints are compared with the perspectives and hypotheses of the exegetes of the two schools (Sunni and Shia), focusing on the meanings of these letters. The research method employed is descriptive-analytical with a comparative approach. The research findings indicate that the Orientalists' viewpoint regarding the assumed abbreviatory nature of these letters for the owners of the Qurans contradicts the views of the exegetes of the two schools. This indicates the unreliable evidence of Orientalists concerning the meanings of these letters. Similarities between the viewpoints of Orientalists and the exegetes of the two schools include the spiritual connection of these letters to the content of the verses, their cryptic expression, and their relation to the term "book," representing common thoughts on the meanings of disjointed letters among both Orientalists and exegetes. Orientalists have proposed five general viewpoints, while exegetes have offered eleven viewpoints on this subject, making it difficult to derive a comprehensive meaning from these perspectives. In the ideology of His Eminence, a symbolic connection exists between these letters and the Holy Quran, as in most instances where these letters appear, the Quran is also mentioned. His Eminence's main perspective on these letters indicates that they are an artistic miracle (the Quran) of God and signify the greatness of the source and origin of the Holy Quran.

Keywords: Disjointed letters in the Quran, Meanings of Verses, Exegetes of Two Schools of Thought (Shia and Sunni), His Eminence, The Supreme Leader (Imam Khamenei), Orientalists.

*. **Date of receiving:** 11/03/2023; **Date of correction:** 31/07/2023; **Date of approval:** 26/11/2023.

1. Associate Professor and Faculty Member at the Faculty of Theology, University of Ilam, Iran: m.hosseini@ilam.ac.ir.

2. PhD Candidate of Quran and Hadith Sciences, Faculty of Theology, University of Ilam, Iran: mortezakhalilizadeh1@gmail.com.

3. Assistant Professor and Faculty Member at the University of Quranic Sciences and Teachings, Qom, Iran (Corresponding Author): Shoaee@quran.ac.ir.



بازکاوی تطبیقی معانی حروف مقطعه در اندیشه مستشرقان و مفسران فریقین با تأکید بر دیدگاه مقام معظم رهبری*

سیدمحمد رضا حسینی نیا^۱ و مرتضی خلیلی زاده^۲ و علی اصغر شعاعی^۳



چکیده

ماهیت مجهول حروف مقطعه قرآن دست بشر را از رسیدن به معانی حقیقی این حروف کوتاه کرده است؛ ازاین رو فرضیه و دیدگاه‌های متعددی درباره معانی آنها مطرح شده است. در این میان مستشرقان با ارائه فرضیاتی که برگرفته از مبانی و پیش فرض‌های آنان در شناخت قرآن است که قرآن را از منشأ غیروحیانی می‌دانند، دیدگاه ایشان به نسبت دیدگاه و فرضیه‌های مفسران فریقین بررسی می‌شود و با تطبیق دیدگاه مستشرقان و مفسران فریقین تا حدودی با معانی این حروف آشنا می‌شویم. روش تحقیق به صورت توصیفی - تحلیلی با رویکرد تطبیقی است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که دیدگاه مستشرقان درباره علامت اختصاری بودن این حروف برای صاحبان مصاحف، نظریه اقتباس از آیین یهود و علامت اختصاری برای بسمله با دیدگاه مفسران فریقین ناهمخوانی دارد. این امر نشان می‌دهد که ادله مستشرقان درباره معانی این حروف غیرمستند است. از موارد تشابه دیدگاه مستشرقان درباره معانی این حروف با مفسران فریقین نیز می‌توان به ارتباط معنوی این حروف با محتوای آیات، بیان رمزآلود این حروف، و ارتباط این حروف با واژه کتاب که از اندیشه‌های مشترک درباره معانی حروف مقطعه میان مفسران فریقین و مستشرقان است. مستشرقان به پنج دیدگاه کلی و مفسران نیز به یازده دیدگاه در این باب اشاره کرده‌اند که نمی‌توان معنای جامعی از این دیدگاه‌ها کسب کرد. در اندیشه رهبر معظم انقلاب (مدظله‌العالی) نیز ارتباط رمزگونه‌ای بین این حروف و قرآن کریم وجود دارد؛ زیرا در غالب آیات بعد از این حروف، سخن از قرآن به میان آمده است. دیدگاه اصلی معظم‌له درباره این حروف نشان‌دهنده این است که این حروف معجزه هنری قرآن هستند و دلالت بر عظمت مصدر و منشأ قرآن کریم دارند.

واژگان کلیدی: حروف مقطعه قرآن، معانی آیات، مفسران فریقین، مقام معظم رهبری، مستشرقان.

*. تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۲/۱۲؛ تاریخ اصلاح: ۱۴۰۲/۰۵/۰۹ و تاریخ تأیید: ۱۴۰۲/۰۹/۰۴.

۱. دانشیار و عضو هیئت علمی دانشکده الهیات، دانشگاه ایلام، ایران: m.hoseininia@ilam.ac.ir.

۲. دانشجوی دکتری رشته علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات، دانشگاه ایلام، ایران: mortezakhalilizadeh1@gmail.com.

۳. استادیار و عضو هیئت علمی دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، قم، ایران (نویسنده مسئول): Shoaiei@quran.ac.ir.



مقدمه

حروف مقطعه قرآن به مجموعه‌ای از حروف تهجی قرآنی گفته می‌شود که به صورت تک یا چندین حروف در ابتدای ۲۹ سوره قرآنی آمده است. این حروف بعد از «بسمله» قرار گرفته‌اند و به صورت ناپیوسته و جدا جدا از هم خوانده می‌شوند. ماهیت مجهول این حروف باعث ایجاد نظرات مختلف در میان اندیشمندان مسلمان و غیرمسلمان شده، دیدگاه‌های مختلفی مطرح گشته است. پی بردن به معانی این حروف در جهت شناخت بخشی از معارف قرآن کریم راهگشاست. مفسران قرآن کریم از دیرباز در جهت کشف معانی این حروف تلاش کرده‌اند و دیدگاه‌های گوناگونی همچون: رمز بین خدا و رسول ﷺ، متشابهات قرآن کریم، اسامی برخی از سوره‌ها، نشانه اعجاز قرآن کریم، اسم اعظم خداوند و استعمال به عنوان ادات تنبیه را مطرح کرده‌اند.

مجموع این حروف ۷۸ حرف است که با حذف موارد تکراری ۱۴ حرف می‌شود که نیمی از حروف تهجی را شامل می‌شود (سیوطی، الاتقان، ۱۳۸۷: ۳/۳۲). برخی از این حروف مانند «کهیص» به عنوان آیه مستقل در تقسیم‌بندی آیات قرار دارند؛ اما برخی دیگر بخشی از یک آیه هستند؛ مانند «طس» در سوره نمل و «ن» در سوره قلم که در آغاز سوره‌ها طبقه‌بندی شده‌اند (زرکشی، البرهان، ۱۴۱۰: ۱/۲۵۳-۲۶۹). به غیر از سوره‌های بقره و آل عمران که مدنی هستند، بقیه سوره‌هایی که حروف مقطعه در آن آمده است از سوره‌های مکی هستند. این مسئله نشان از تأثیر این حروف در جلب توجه مشرکان و اهل کتاب با رویکرد اعجازگونه و وحیانی است؛ زیرا مشرکان در تلاش بودند تا دیگران را از گوش دادن به آیات الهی بازدارند؛ اما منحصر به فرد بودن این حروف باعث جلب توجه مستمعان به آیات قرآن می‌شد که مقدمه هدایت آنان به سوی وحی را فراهم می‌کرد (طوسی، التبیان، بی تا: ۴۸/۱).

علمای فریقین برای سهولت در یادآوری این حروف به جملاتی تمسک جسته‌اند. عبارت «صراط عَلِيٍّ حَقِّ ثَمَسِيْكُهُ» نزد علمای شیعه؛ و عبارت «صَحَّ طَرِيْقُكَ مَعَ السُّنَّةِ» و «نص حکیم قاطع له سر» از طرف علمای اهل سنت انتخاب شده است (آلوسی، روح المعانی، ۱۴۰۵: ۱/۱۰۴؛ حسینی، آیات الولاية، بی تا: ۲۲).

در این میان برخی از مستشرقان با طرح مسئله حروف مقطعه، به نظریه‌های مختلف درباره حقیقت این حروف قائل شده‌اند و در برخی موارد معانی سست و بی‌بنیادی را مطرح کرده‌اند که با بررسی دیدگاه‌های ایشان و تطبیق آن با دیدگاه مفسران فریقین به جمع‌بندی دیدگاه‌های ایشان پرداخته می‌شود. روش تحقیق در این مقاله به صورت توصیفی - تحلیلی، با استفاده از اسناد کتابخانه‌ای است. در ابتدای

کار با تتبع در دیدگاه‌های مستشرقان در زمینه حروف مقطعه، به بررسی دیدگاه‌های ایشان و سپس تطبیق آن با نظرات اندیشمندان و مفسران اسلامی پرداخته می‌شود. و در نهایت دیدگاه رهبر معظم انقلاب (مدظله‌العالی) در این مسئله تبیین می‌شود.

پیشینه

نخستین تلاش برای یافتن معانی این حروف را می‌توان به زمان نزول قرآن دانست که توسط یهودیان انجام گرفته است (طبرسی، مجمع البیان، ۱۳۷۲: ۴۰/۱-۴۱). مفسران قرآن کریم نیز در طول تاریخ بیش از هزارساله تفسیر قرآن، به تحلیل و بررسی این حروف پرداخته، بحث‌های مفصلی را در معانی این حروف مطرح کرده‌اند. سایر اندیشمندان اسلامی نیز در آثار متعددی به کشف رموز این حروف پرداخته، در مواردی کتاب‌های مستقلاً در این زمینه تألیف کرده‌اند. از مهمترین کتاب‌هایی که در دوران معاصر در این باره نگاشته شده است، می‌توان به «اعجاز قرآن: تحلیل آماری حروف مقطعه»، رشاد خلیفه، ترجمه محمدتقی آیت‌اللهی، شیراز، دانشگاه شیراز، ۱۳۶۵؛ «حروف آغازین در قرآن کریم»، علی نصوص الطاهر، ترجمه نصرالله امامی، اهواز، جهاد دانشگاهی خوزستان، ۱۳۷۲؛ «الحروف النورانية فی فواتح السور القرآنية»، عبدالقادر محمد منصور، حلب: دارالعرفان، دمشق: دارالالباب، ۱۴۱۷ ق؛ «حروف مقطعه قرآن»، عبدالعلی بازرگان، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۹؛ «دیدگاهی نو درباره حروف مقطعه قرآن کریم»، محمدرضا خودنما، هم‌دان: نشر آفرین، ۱۳۷۹؛ «هیروگلیف در قرآن کریم: (تفسیری نوین از حروف مقطعه)، سعد عبدالمطلب عدل، ترجمه حامد صدقی، حبیب‌الله عباسی، تهران: سخن، ۱۳۸۸؛ «کشف جدید از اعجاز حروف مقطعه قرآن»، علیرضا رنجبر، قم: عطر یاس، ۱۳۹۲؛ «بررسی دیدگاه‌ها درباره حروف مقطعه و روایات آن»، حسین رحمانی‌فرد، قم: مؤسسه بوستان کتاب، ۱۳۹۴؛ «پژوهشی در حروف مقطعه قرآن کریم»، عبدالجبار شراره، ترجمه علی حسین احتشامی، همدان، دانشگاه آزاد اسلامی، ۱۳۹۵؛ «تفسیر جامع حروف مقطعه قرآن و ده‌ها معجزه در آن»، عزیز فتحی، تهران، احسان، ۱۳۹۵؛ «اسرار حروف مقطعه در آیات الهی»، سید رسول حسینی اصل خسروشاهی، تبریز، عاصم، ۱۳۹۶؛ «نظر مفسران درباره حروف مقطعه»، عباسعلی کامرانیان، تهران: نشر نور قرآن و اهل بیت (ع)، ۱۳۹۸، اشاره کرد.

در زمینه دیدگاه خاورشناسان درباره حروف مقطعه نیز چندین مقاله نگاشته شده است: «حروف مقطعه از منظر قرآن‌شناسان غربی»، سید کاظم طباطبائی، مجله: مطالعات اسلامی، شماره ۶۰، تابستان ۱۳۸۲؛ «نقد و بررسی آرای مستشرقان و رشاد خلیفه درباره حروف مقطعه»، محمدرضا رسولی



راوندی، مجموعه مقالات کنگره بین المللی فرهنگ و اندیشه دینی، ۱۳۹۳؛ «بررسی حروف مقطعه از دیدگاه مستشرقان»، سید محمد رضوی و سکینه الشهیر به مهین جعفری، فصلنامه حسنا، سال هشتم، شماره ۲۹-۳۰، تابستان و پاییز ۱۳۹۵. «بررسی هماهنگی موسیقی کناری سور حوامیم از رهگذر سبک شناسی آوایی» طیه بابایان؛ مسعود اقبالی، مجله دوفصلنامه مطالعات سبک شناختی قرآن کریم، دوره ۴، شماره دوم، دی ۱۳۹۹، با مطالعه کتابها و مقالاتی که در این زمینه نگاشته شده است، هیچ اثری به بررسی تطبیقی دیدگاه مستشرقان و مفسران مسلمان درباره معانی حروف مقطعه نپرداخته است.

درباره اندیشه مقام معظم رهبری درباره معانی حروف مقطعه نیز هیچ گونه پایان نامه، کتاب یا مقاله ای چاپ نشده است. البته در ابتدای «تفسیر سوره بقره» مقام معظم رهبری چندین صفحه به بحث حروف مقطعه پرداخته شده است که می توان کلیات دیدگاه معظم له را درباره این حروف به دست آورد.

۱. مفهوم شناسی حروف مقطعه

حروف مقطعه (حرف های گسسته) به حروفی گفته می شود که در ابتدای ۲۹ سوره از قرآن بعد از بسمله آمده است (به نمودار شماره ۲ مراجعه شود). مجموع این حروف ۷۸ حرف است که با حذف حروف تکراری، ۱۴ حرف می شود (جوادی آملی، تسنیم، ۱۳۸۵: ۶۵/۲). غالب سوره هایی که با این حروف آغاز شده اند، مکی هستند؛ به غیر از سوره های بقره و آل عمران که از سوره هایی هستند که در مدینه نازل شده اند (ر.ک: واحدی نیشابوری، اسباب نزول القرآن، ۱۴۱۱).

۲. معانی حروف مقطعه از دیدگاه مستشرقان

دیدگاه های مستشرقان درباره کشف معانی حروف مقطعه در غالب موارد برگرفته از حدسیاتی است که معانی این حروف داده اند و مبانی فکری ایشان در وحیانی نبودن قرآن کریم باعث شده است که از رمزگونه بودن این حروف بین خداوند و پیامبر اکرم ﷺ قوی به میان نیاورند و غالب دیدگاه های خود را به امور ظاهری و نمادهای غیر وحیانی نسبت دهند. در ادامه به سیر تحول دیدگاه های مستشرقان در این زمینه و نقد و بررسی فرضیه های آنان در معانی حروف مقطعه می پردازیم.

یک. علامت اختصاری از صاحبان مصاحف

نخستین تلاشی که از طرف مستشرقان درباره شناخت معانی حروف مقطعه انجام گرفته است، نظریه ای است که تئودور نولدکه در کتاب «تاریخ قرآن» بیان کرد (Noldeke, Geschichte des Qorans,

وی این حروف را نمادین دانسته، نشان از علائم اختصاری برای شناخت جمع‌کنندگان قرآن در زمان نزول دانسته است. به اعتقاد وی زمانی که زید بن ثابت به دستور عثمان در تلاش برای یکسان‌سازی مصاحف بود، هرکدام از این نمادها را برای معرفی شخصیت‌های خاصی به کار برد. به عنوان مثال «الر» = «الز» نماد زبیر، «المر» نماد مغیره، «حم» نماد عبدالرحمان و ... است. این نمادها در زمان یکسان‌سازی مصاحف، مشخص و معین بود؛ اما در زمان‌های بعدی بر اثر بی‌دقتی کاتبان و قاریان قرآن به اشتباه جزو آیات قرآن به‌شمار رفته است. (Noldeke, Geschichte des Qorans, 1909:2,72-73). این دیدگاه تا مدت‌ها مورد پذیرش دیگران بود تا اینکه خود نولدکه در چاپ جدید کتاب «تاریخ قرآن» از آن دست برداشت (Blachere, Introduction au Coran, 1977: 147).

سال‌ها بعد هارتویک هرشفلد این دیدگاه را تقویت کرده و از نظریه نولدکه دفاع کرد. هرشفلد با تغییر جزئی در تبیین این نظریه، معتقد است که این حروف نماد یکی از مصحف‌هایی است که در عصر خلفا مرسوم بود. برای مثال «م» نشان مصحف مغیره، «ح» نشان مصحف حذیفه، «ص» نشان‌دهنده مصحف حفصه، «ک» نشانه مصحف ابوبکر، «ه» نشان از مصحف ابوهریره، «ن» مصحف عثمان، «ط» مصحف طلحه، «س» مصحف سعد بن ابی وقاص، «ق» حاکی از مصحف قاسم بن ربیع و «ع» حاکی از مصحف علی، عمر، ابن عباس یا عایشه است (Hirschfeld, New research into the composition and exegesis of the Quran, 1902, 141-143).

این دیدگاه که به عنوان فرضیه مطرح شده بود، توسط هیچ‌کدام از مستشرقان غربی و قرآن‌شناسان اسلامی پذیرفته نشد؛ زیرا حداقل نباید این فرضیه را بر مصحف‌های زمان نزول تطبیق می‌داد؛ زیرا مقبول نیست که گردآوران مصاحف این حروف را که علامت اختصاری معاصرانشان است، در نسخه مصاحف خود بیاورند (بلاشر، در آستانه قرآن، ۱۳۶۵: ۱۷۰). این حروف غالباً در سوره‌های مکی (به غیر از سوره بقره و آل عمران که مدنی هستند) آمده است. با تتبع در نظریه‌های مفسران متقدم و قرآن‌شناسان در طول اعصار گوناگون هیچ دلیل نقلی از فریقین در صدق این مدعا وجود ندارد و فرضیه‌ای است که در میان قرآن‌پژوهان مسلمان هیچ‌گونه سابقه‌ای ندارد.

دو. نماد آیین یهود

یکی دیگر از مستشرقان این حروف را که در آغاز آخرین سوره‌های مکی و اولین سوره‌های مدنی دانسته است که برگرفته از سنت یهودی بوده و اقتباس آن را از فرهنگ آیین قبلا می‌داند. به اعتقاد لاث این حروف به منزله واژه‌هایی کلیدی از این فرهنگ است (El2 "Al-Kur'an 4: structure.d: the



(mysterious letters" by A.T. Welch). با توجه به این فرضیه بود که نولدکه از نظریه خود عدول کرده، این حروف را اشاراتی رمزآلود دانست که دارای معانی ویژه‌ای نیستند (Noldeke, Geschichte des Qorans, 1909:2,73-78). بعد از لاث، شوالی نیز استدلال لاث را ادعای بدون دلیل خواند و از قبول کردن آن اجتناب کرد (A.T. Welch "Al-Kur'an 4: structure.d: the mysterious letters").

ادعای اقتباس حروف مقطعه از نمادهای آیین یهود همچنان که توسط خود مستشرقان نیز رد شده است، ادعایی است که برخلاف واقعیت تاریخی است. پیامبر اکرم ﷺ بیشترین ارتباط خود با یهودیان را در مدینه داشت که تنها دو سوره از ۲۹ سوره‌هایی که حروف مقطعه در آنها آمده است، در مدینه بود؛ اما بقیه ۲۷ سوره دارنده حروف مقطعه که در فضای مکه نازل شده است، کمترین ارتباط با فرهنگ یهودی بوده است. از این رو اثبات چنین ادعایی که پیامبر در مکه نیز با یهودیان ارتباط داشته است، به سختی ممکن است. چنانچه مستشرقان دیگر با پی بردن به این واقعیت تاریخی، از قبول این فرضیه نیز اجتناب کرده‌اند. شوالی اجمالاً قبول کرده است که این حروف رمزدار را خود پیامبر تدوین کرده است و به زمان خلفا مربوط نیست (ibid).

سه. ارتباط این حروف با محتوایی داخلی سوره

بوئر، یکی دیگر از مستشرقانی است که با اقتباس از دیدگاه‌های مستشرقان قبل از خود؛ یعنی لاث و شوالی، به تبیین ارتباط محتوای داخلی سوره‌های قرآن با این حروف پرداخت. وی برای اثبات مدعی خود از شواهد آماری فراوانی بهره گرفت و در فهرست نامتوازن خود عبارت‌هایی آورد که ارتباط اندکی با هم داشتند. حروفی که نشانه‌های اختصاری کهن واژگان کلیدی هستند، به عنوان مثال «یس» ارتباط با عبارت «یسعی» در آیه بیست این سوره؛ «ص» برای «صافنات» در آیه ۳۱ همین سوره؛ «ق» برای «قرینه» در آیه ۲۳ و ۲۷ همین سوره. بوئر برای ارتباط دادن بین برخی از این حروف با محتوای سوره تلاش‌های فراوان دیگری از خود نشان داد؛ چنانچه «طسم» در سوره‌های شعراء و قصص را نماد «طور سینین» و موسی؛ و «الم» نماد «المثانی» دانسته است؛ زیرا سوره‌هایی که با «طس» آغاز می‌شوند درباره‌ی طور سینا و موسی سخن می‌گویند (ibid). این نخستین تلاشی بود که از جانب مستشرقان درباره‌ی ارتباط معنایی و محتوایی سوره با این حروف انجام شده است (Blachere, Introduction au Coran, 1977: 149).

بعد از بوئر نیز مستشرق دیگری به نام گوسنس، دیدگاه مشابهی به نظر بوئر داد و معتقد شد، این حروف ارتباطی اندک با نشانه‌های اختصاری عناوین متروک سوره‌ها هستند. به عنوان مثال «ق» نشانه قرآن؛ «ن» نشان ماهی «ذوالنون» که لقب حضرت یونس است El2 "Al-Kur'an 4: structure.d: the mysterious letters" (by A.T. Welch).

فرضیات بوئر و گوسنس، جرج سیل را بر آن داشت که در کتابش «قرآن و کتاب مقدس» حروف مقطعه را یادآور مضامین سوره‌ها بداند. وی فرضیه بوئر را مبنی بر تفسیر «طسم» به طور سینا و موسی، و فرضیه گوسنس را مبنی بر تفسیر «الر» به الرسل پذیرفت؛ اما برای «الم» الموعظه و برای «یس» یونس را ترجیح داد. لازم به ذکر است که استفاده از چنین روشی می‌تواند فرضیه‌های دیگری را مطرح کند که ناقض فرضیه‌های دیگر هم نباشند و امکان همین فرضیه‌های گوناگون موجب شده است که خود مستشرقان به ضعف محتوایی چنین فرضیاتی پی بردند (ibid, Blachere, Introduction au (Coran, 1977: 148-149).

چهار. علامت اختصاری بسمله

یکی دیگر از مستشرقانی که درباره حروف مقطعه فرضیه جدیدی مطرح کرد، جیمز بلامی است. وی با اقتباس از دیدگاه مفسران متقدم درباره معانی حروفی مانند «الم، المر، حم و ن» که نماد کلمه «الرحمن» نامیده شده بود، حروف مقطعه را اختصاری از «بسم الله الرحمن الرحيم» دانست. در این فرضیه، «ط» و «ک» به باء، «ص» و «ق» به میم، «ی» به «ب» و «ع» به «بس» یا «س» تبدیل می‌شوند. از این رو به گمان بلامی، با تغییر یک حرف، ترکیبات طسم، طس، طه، یس، المص، ص و ق به بسم، بس، به، بس، المم و م تبدیل می‌شوند و می‌توانند نشانه‌های اختصاری مناسبی برای بسمله باشند. در این فرضیه، «حم عسق» و «کهیصص» باقی می‌ماند که به گمان او آن دو نیز، به ترتیب، با دو و چهار تغییر به «حم بسم» و «به بسم» تبدیل می‌شوند. به نظر بلامی، نخستین بار که بسمله در سوره‌های مکی میانی و متأخر وارد شد، کاتبان وحی آن را به صورت‌های گوناگون مختصر کردند و در آغاز این ۲۹ سوره نهادند؛ اما تدوین‌کنندگان بعدی - که نتوانستند این شکل‌های اختصاری را تشخیص دهند - جای ثابتی در متن به آنها دادند و بسمله را به صورت کامل و دقیقاً پیش از حروف اختصاری گذاشتند El2 "Al-Kur'an 4: structure.d: the mysterious letters" (by A.T. Welch).

این فرضیه نیز مانند دیدگاه‌های قبلی مستشرقان بر اساس حدس و گمان بلامی مطرح شده و هیچ پایه علمی ندارد و در هیچ کدام از دیدگاه‌های مفسران فریقین مسبوق به سابقه نیست. افزون بر اینکه



این فرضیه که کاتبانی در مکه برای بسمله علائم اختصاری را جعل کرده‌اند که بعدها به سبب گذشت زمان آن علائم از یادها رفته است، ادعایی بدون دلیل و تیر در تاریکی انداختن است.

پنج. ارتباط این حروف با واژه کتاب

یکی دیگر از نظریاتی که از جانب مستشرقان درباره شناخت معانی حروف مقطعه بیان شده است، دیدگاه ولش است که معتقد است: دو خصوصیت عمده در سوره‌هایی که این حروف در آن آمده است، وجود دارد: خصوصیت اول، تأثیر این حروف در نظم‌دهی قرآن بر اساس ترتیب فعلی قرآن که نشان از اثرگذاری این حروف در یکسان‌سازی مصاحف دارد؛ خصوصیت دوم، این حروف با واژه «کتاب» ارتباط نزدیکی دارند و در حقیقت این حروف به جنبه‌های از وحی اشاره دارد (ibid).

درباره نظم‌دهی حروف مقطعه بر قرآن‌ها می‌توان گفت که همه سوره‌هایی که با حروف مقطعه یکسان شروع شده‌اند، در کنار هم نیستند. افزون بر اینکه در چینش سوره‌ها در کنار هم خصوصیات دیگری لحاظ شده است. ارتباط این حروف با واژه «کتاب» نیز یکی از رموزی است که کمابیش از طرف مفسران فریقین بیان شده است؛ اما اینکه چه ارتباطی میان این حروف و واژه «کتاب» وجود دارد، سؤالی است که هیچ‌کدام از مفسران فریقین و مستشرقان به جواب آن دست نیافته‌اند و در حقیقت نظریه رمزآلود بودن این حروف همچنان به قوت خود باقی می‌ماند.

۳. معانی حروف مقطعه از دیدگاه مفسران فریقین

با نگاهی به تفاسیر فریقین درباره معانی این حروف، به قدمت این بحث پی برده و دیدگاه‌های ایشان به تاریخچه بیش از هزار ساله آن دلالت دارد. مفسران فریقین برای حروف مقطعه معانی مختلفی را بیان کرده‌اند که برخی از مفسران آن را بالغ بر سی دیدگاه دانسته است (عیاشی، کتاب التفسیر، ۱۳۸۰ق: ۲/۲). فخر رازی در تفسیرش بیست و یک دیدگاه (فخر رازی، مفاتیح الغیب، ۱۴۲۰: ۲/۲۵۵)؛ آیت‌الله جوادی آملی در تفسیر تسنیم بیش از بیست دیدگاه (جوادی آملی، تفسیر تسنیم، ۱۳۸۵: ۱۸۷/۲)؛ علامه طباطبایی در تفسیر گرانسنگ المیزان یازده دیدگاه؛ و امین الاسلام طبرسی ده دیدگاه درباره حروف مقطعه مطرح کرده‌اند (طبرسی، مجمع البیان، ۱۳۷۲: ۱۱۳/۱).

یک. حروف رمزی

در اینکه این حروف رمزی بوده و رازی میان خدا و رسولش است، دیدگاهی است که غالب قرآن‌شناسان به آن تمایل داشته‌اند. ارتباط این حروف با عمر برخی از اقوام مسلمان، یا تاریخ وقایع

خاص، از جمله مباحثی است که در میان اهل کتاب صدر اسلام شایع بوده است. چنانچه برخی از ایشان پس از شنیدن آیه مقطعه «الم»، این آیه را با تطبیق بر حساب جمل به عدد ۷۱ رسیده‌اند که به گمان آنها سال‌های دوام و بقای حکومت اسلامی است؛ اما رسول گرامی اسلام بدون اینکه پاسخ خاصی در این باره بدهند فرمودند: المص، الر، المر (طوسی، التبیان، بی تا: ۴۸/۱؛ طبرسی، مجمع البیان، ۱۳۷۲: ۴۰/۱).

برخی از عرفای اسلامی درباره ارتباط این حروف با رمز و راز میان خداوند و رسول گرامی اسلام دیدگاه‌هایی مطرح کرده‌اند که نظرات ایشان را نمی‌توان به معنای واحدی حمل کرد. مفسران فریقین با وجود ارائه دیدگاه‌های گوناگونی در این زمینه به حقایق دقیقی از حروف مقطعه به عنوان اسراری میان خدا و رسولش دست نیافته و در نهایت علم به اسرار این حروف را مختص خداوند و راسخان در علم می‌دانند که از نشانه‌های اعجاز قرآن است (ابن کثیر، عمدة التفسیر، بی تا: ۱/ ۹۲؛ زرکشی، البرهان، ۱۴۱۰: ۱/ ۲۶۲؛ سیوطی، الاتقان، ۱۳۸۷: ۳/ ۲۴؛ ابوالفتح رازی، روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، ۱۴۰۸: ۱/ ۹۵؛ رک: اخوان مقدم، فهرجی، مطالعه تطبیقی آراء تفسیری مغنیه و سیدقطب در موضوع وجوه اعجاز قرآن کریم، ۱۴۰۲: ۷۹).

سیوطی نبودن روایات دال بر سؤال صحابه از پیامبر درباره تفسیر این حروف را به معنای آگاهی مردم عصر نزول از معانی این حروف دانسته است (سیوطی، الاتقان، ۱۳۸۷: ۳/ ۳۰)؛ اگرچه معاصران نزول قرآن شاید به علت اسرارآمیز بودن این حروف از سؤال درباره حقیقت این حروف اجتناب کرده‌اند. چنانچه مقاتل بن سلمیان از تفسیر این حروف به علت اسرارآمیز بودن آن اجتناب کرده است (مقاتل بن سلمان، التفسیر، ۱۴۲۲: ۸۳/۱).

ادعای اسرارآمیز بودن این حروف باعث ورود دیدگاه‌های متعددی در تفسیر و تأویل این حروف شده است و این حروف را جزو اسرار ناگشوده قرآن دانسته‌اند. به گفته برخی از قرآن‌پژوهان این حروف اسراری نهان و حقایقی پوشیده هستند که توسط خداوند برگزیده شده‌اند (طبرسی، مجمع البیان، ۱۳۷۲: ۱/ ۱۱۲).

دیدگاه رهبر معظم انقلاب نیز درباره رمزی و اشاری بودن این حروف این گونه است که ایشان می‌فرماید: «تعداد این حروف به تعداد حروف زبان عربی است که کلمات عربی از همین ۲۹ حرف تشکیل می‌شود؛ شاید خود این، یک رمزی و اشاره‌ای باشد. البته در بعضی سوره‌ها یک حرف آمده، مثلاً ﴿ص وَالْقُرْآنِ ذِی الذِّکْرِ﴾ یا ﴿ق وَالْقُرْآنِ الْمَجِید﴾ یا ﴿ن وَالْقَلَمِ وَمَا یَسْطُرُونَ﴾ و از این قبیل که اول جمله با یک حرف اختصاری شروع می‌شود؛ بعضی جاها دو حرف آمده [مثل] «طه» و «یس» و از این



قبیل؛ در بعضی جاها سه حرف آمده مثل «الم» و «الر» و از این قبیل؛ بعضی جاها چهار حرف آمده، مثل «المر» و در بعضی جاها بیشتر، مثل «کهیص» که پنج حرف است. مجموع حروف مقطعه ای که در این ۲۹ سوره به کار رفته است، می شود نصف حروف الفبای قرآن بنا به قولی که ۲۸ حرف است که خود این می تواند یک رازی و اشاره ای داشته باشد (خامنه ای، تفسیر سوره حمد، ۱۴۰۱: ۲۵).

دو. آیات متشابه

یکی از دیدگاه ها درباره معانی حروف مقطعه، متشابه بودن این حروف است. بر اساس آیه هفتم سوره آل عمران، مصداق متشابه حروف مقطعه هستند. مراد از تأویل متشابهی که در این آیه به آن اشاره شده است، به داستانی از یهود اشاره دارد که از حروف مقطعه میزان سال های حکومت اسلامی پیامبر اکرم ﷺ را استخراج کرده بود و حضرت رسول ﷺ با خواندن حروف دیگری از سوره های دیگر به چنین دیدگاهی مهر بطلان زد (ابوزید، معنای متن، ۱۳۸۰: ۳۱۵). با اینکه میان حروف مقطعه و آیات متشابه تفاوت است؛ زیرا آیات متشابه غالباً مقابل آیات محکم قرار می گیرند و در این آیات مصداق آیات محکم مشخص نیست. لازمه این دیدگاه این است که مدلول این حروف از قبیل مدلولات لفظی باشد و مدلولات لفظی و غیرواقعی با هم اشتباه شوند؛ درحالی که در حروف مقطعه چنین نیست و معانی و مدالیل این حروف از الفاظ آن مشخص نیست. با توجه به شباهت هایی که بین این حروف است ممکن است آدمی حدس بزند که بین این حروف و مضامین سوره ای که با این حروف آغاز شده ارتباط خاصی باشد، مؤید این حدس آن است که می بینیم سوره اعراف که با «المص» آغاز شده، مطالبی را که در سوره های «الم» و سوره «صاد» هست در خود جمع کرده و نیز می بینیم سوره رعد که با حروف «المر» افتتاح شده، مطالب هر دو قسم سوره های «الم» و «المر» را دارد. از اینجا استفاده می شود که این حروف رموزی هستند بین خدای تعالی و پیامبرش که معنای آنها از ما پنهان است و فهم عادی ما راهی به درک آنها ندارد؛ مگر به همین مقدار که حدس بزنیم بین این حروف و مضامینی که در سوره های هر یک آمده ارتباط خاصی هست (طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ۱۴۱۷: ۷/۸-۸؛ همو، قرآن در اسلام، ۱۳۶۱: ۳۵). البته نصر حامد ابوزید معتقد است: به سبب اینکه منطوق حروف مقطعه داللتی ندارد، برخی این حروف را از متشابهات دانسته اند (ابوزید، معنای متن، ۱۳۸۰: ۳۱۵).

سه. حروف مجرده

در دیدگاه دیگری از قرآن شناسان این حروف فاقد معنای خاصی است؛ بلکه برای تنبیه و توجه دادن است. در حقیقت نقش آوایی و الفاظی این حروف در زمان نزول باعث جلب توجه دیگران به محتوای

اصلی قرآن می‌شده است؛ زیرا مشرکان قرار بر این داشتند که به آیات الهی گوش نکرده و موقع شنیدن آیات با ایجاد سروصدا مانع رسیدن پیام قرآن به گوش دیگران شوند (فصلت/۲۶). از این رو خداوند با استفاده از این روش توانست مشرکان را ساکت کند تا نظرشان به آیات قرآن جلب شود (طبری، جامع البیان فی تفسیر القرآن، ۱۴۱۲: ۷۳/۱-۶۷). سیوطی علت استفاده نکردن از ادوات تنبیه اصطلاحی مانند اما، الا و... را انحصار روش قرآن در بیان امور است. قرآن کریم با استفاده از این روش در ذهن مخاطب تأثیر عمیقی ایجاد کرده است (سیوطی، الاتقان، ۱۳۸۷: ۳/۳۱).

چهار. نام سوره

برخی دیگر از قرآن‌پژوهان این حروف را فاقد معنای خاصی دانسته‌اند و این حروف را نشان‌دهنده اسامی سوره‌ها دانسته‌اند. این دیدگاه که توسط مفسران شیعی قبول شده است (طوسی، التبیان، بی‌تا: ۴۸/۱؛ طبرسی، مجمع البیان، ۱۳۷۲: ۱۱۳/۱)، منسوب به ابی‌بن کعب، حسن بصری و زید بن اسلم است (طبری، جامع البیان فی تفسیر القرآن، ۱۴۱۲: ۶۹/۱). برخی از ادیبان اسلامی مانند خلیل بن احمد فراهیدی و سیبویه نیز این دیدگاه را قبول دارند (فخر رازی، مفاتیح الغیب، ۱۴۲۰: ۲۵۲/۲). این دیدگاه به سبب مشابه بودن اوایل برخی از حروف به هم با اشکال جدی مواجه است؛ زیرا شهرت سوره‌هایی مانند بقره، آل عمران، مریم، یونس و... به نام‌هایی غیر از اسامی این حروف، دلالت بر ضعف این دیدگاه دارد. همچنین در میان نسل‌های پیشین چنین نام‌هایی مصطلح نشده است (شلتوت، تفسیر القرآن الکریم، ۱۳۷۹: ۵۵). برخی دیگر از مفسران متقدم مانند کلبی و سدی و مجاهد، این حروف را از اسامی قرآن دانسته‌اند. البته طبری این دیدگاه را به سوگند به قرآن تأویل برده است (طبری، جامع البیان فی تفسیر القرآن، ۱۴۱۲: ۶۹/۱). زمخشری در تعلیل اینکه چرا اسامی برخی از سوره‌ها با این حروف آمده است، می‌گوید: دیدگاه اکثر بر این است که حروف مقطعه اسامی سوره‌هاست. (زمخشری، الکشاف، ۱۴۰۷: ۲۱/۱). فخر رازی نیز با نقل دیدگاه‌های مفسران با تأیید این دیدگاه آنرا موافق بیشتر متکلمان مانند خلیل و سیبویه دانسته و آنرا قول مختار اکثر قرآن‌شناسان دانسته است (فخر رازی، مفاتیح الغیب، ۱۴۲۰: ۲۵۵/۲). در میان مفسران شیعه نیز علامه طباطبایی با اشاره به این دیدگاه می‌گوید: هرکدام از این حروف اسم سوره‌ای است که در ابتدای آن قرار گرفته است. (طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ۱۴۱۷: ۱۸/۶۹).

پنج. علامت شروع سوره‌ها

یکی دیگر از دیدگاه‌ها در معانی این حروف که به مجاهد منسوب است، آغاز سوره‌ها به وسیله این حروف مشخص می‌شود. در حقیقت این حروف برای اعلام شروع یک سوره و اتمام سوره دیگر است (طبری، جامع البیان فی تفسیر القرآن، ۱۴۱۲: ۶۷/۱؛ سیوطی، الاتقان، ۱۳۸۷: ۳/۲۸).



شش. ارتباط ریاضی با عدد خاص

برقراری ارتباط بین این حروف و عدد خاص به زمان نزول این آیات برمی گردد، چنانچه یهودیان با جدلهایی که با پیامبر اکرم ﷺ داشتند، عددی را از حرف «الم» استخراج کرده و مدت زمان حکومت مسلمانان را بر اساس آن آیه تفسیر کردند که پیامبر اکرم ﷺ با خواندن حروف مقطعه دیگر این ارتباط را باطل کردند (عیاشی، کتاب التفسیر، ۱۳۸۰ق: ۲۶/۱؛ طبری، جامع البیان فی تفسیر القرآن، ۱۴۱۲: ۶۷/۱). برخی از قرآن شناسان معاصر نیز تلاش کرده اند تا ارزش عددی این حروف را از شمار آیه ها در روایت های اولیه سوره ها یا مجموعه ای از سوره های مرتبط باهم حکایت می کند، کشف کند؛ وی برای این کار به درهم آمیختن برخی از سوره ها متوسل شده است تا مبانی عددی او صحیح باشد؛ به عنوان مثال ارزش عددی «الر» که ۲۳۱ است را به سبب درهم آمیختن سوره های یوسف و هود به دست آمده است.

رشاد خلیفه از جمله قرآن شناسانی است که قائل به اعجاز عددی این حروف است. ادعای وی مبنی بر دو ویژگی در این حروف است: نخست، تکرار حروف مقطعه هر سوره، بیشتر از تکرار همان حروف در سوره های دیگر است. دوم، عدد ۱۹ کلید رمز حروف مقطعه است که بازگشای اعجاز عددی قرآن است (خلیفه، اعجاز قرآن: تحلیل آماری حروف مقطعه، ۱۳۶۵).

مقام معظم رهبری در تفسیر آیات ابتدایی سوره بقره به این نظریه اشاره کرده و بدون رد یا قبول آن، فرموده است: «(اخیراً - یعنی شاید حدود پانزده شانزده سال قبل از این - ظاهراً یک مسلمان عربی، یک کار کامپیوتری کرده بود روی این آیات قرآن که همان وقت ها پخش شد؛ البته این کارها را با کامپیوتر می شود فقط کرد، با کار معمولی نمی شود. برداران و خواهران که در رشته کامپیوتر هستند یک وقتی اگر خواستید روی تفنن، نه اینکه بخواهم بگویم یک کار اصلی قرار بدهید، تحقیقی بکنید ببینید درست در می آید، یا نه؛ او می گوید: در هر سوره ای که از این حرف ها دارد، آن حرفی که در اول این سوره به کار رفته، در این سوره بخصوص نسبتش از همه حروف دیگر بیشتر است؛ او این جور ادعا می کند؛ یعنی مثلاً در سوره بقره که شما نگاه می کنید «الف» و «لام» و «میم» را، نسبت «الف» و «لام» و «میم» در این سوره، از نسبت این سه حرف در هر سوره دیگری نسبت به حروف دیگر بیشتر است؛ یک چنین ادعایی است... ادعای او است. ممکن هم هست این [طور] باشد، منها این، معنای «الف» و «لام» و «میم» را برای ما روشن نمی کند. یک کار حاشیه ای را در اختیار ما می گذارد. از این جور ظریف کاری ها در مفاهیم اسلامی و در کلمات خدا و اولیای خدا زیاد است (خامنه ای، تفسیر سوره حمد، ۱۴۰۱: ۲۸-۲۹).

ادعای رشاد خلیفه با نقض‌هایی در هر دو بخش سخنان او مواجه است. برای مثال تکرار حرف «ق» در سوره‌های «شمس، فلق و قیامت» به نسبت سوره «ق» به مراتب بیشتر است. همچنین در سوره «طه» تکرار این حروف به مراتب کمتر از سوره‌هایی مانند «فتح، مجادله، توبه، نور و حج» است. در سوره «یس» نیز این فرضیه کاملاً اشتباه بوده و این حروف کمترین میزان تکرار را به خود اختصاص داده است (نوروزی، پژوهشی در نظریه «اعجاز عددی و ریاضی قرآن»، پژوهش‌های قرآنی، ۱۳۸۵: ش ۴۸).

درباره ادعای دوم ایشان نیز که مدعی است عدد ۱۹ کلید رمز حروف مقطعه است، بازهم نقض وجود دارد. و این گونه نیست که اعداد همه این حروف به ۱۹ بخش‌پذیر باشند. برای مثال در سوره «قلم» حرف مقطعه «ن» ۱۳۱ مرتبه تکرار شده است که به ۱۹ بخش‌پذیر نیست. در سوره مبارکه طه نیز مجموع این دو حرف ۲۳۹ بار تکرار شده است که بازهم به ۱۹ بخش‌پذیر نیست (یزدانی، اعجاز عددی و نظم ریاضی قرآن، کیهان اندیشه، ۱۳۷۵: ش ۶۷).

هفت. ارتباط محتوایی با سوره

یکی دیگر از دیدگاه‌ها درباره معانی این حروف، ارتباط محتوایی و سیاقی این حروف با محتوای داخلی سوره است. علامه طباطبایی در یک نظریه به تشابه محتوایی سوره‌هایی که حروف مقطعه مشابهی دارند اشاره کرده است. وی معتقد است، این شباهت‌ها ممکن است این حدس را به ذهن متبادر کند که بین این حروف و مضامین سوره‌هایی که با حروف مقطعه مشابه آغاز شده است، ارتباط خاصی باشد؛ چنانچه در ابتدای سوره اعراف حرف مقطعه «المص» آمده است که محتوای این سوره دارنده محتوای کلی سوره‌هایی که با حرف مقطعه «الم» و «ص» است (طباطبایی، المیزان، ۱۴۱۷: ۹/۱۸).

هشت. نشانه اعجاز قرآن

برخی از قرآن‌شناسان با اشاره به این دیدگاه که این حروف در جهت هم‌آوردگی، نشان‌دهنده اعجاز قرآن کریم است. این حروف برای تحدی رسول خدا ﷺ در مقابل منکران آیات الهی نازل شده است. یکی از جنبه‌های اعجازی این حروف مربوط به اعجاز بیانی قرآن است؛ آن‌گونه که مشرکان با رویگردانی از گوش دادن به آیات قرآن، وقتی حروف مقطعه را می‌شنیدند، به جهت نامأنوس بودن این کلمات به گوش دادن این حروف مشغول می‌شدند که نشان از اعجاز‌گونه‌گی این حروف است (سیوطی، الاتقان، ۱۳۸۷: ۳۱/۳؛ طوسی، التبیان، بی‌تا: ۴۱/۱).



نه. اسم اعظم

یکی دیگر از معانی حروف مقطعه که برخی از قرآن‌شناسان اشاره کرده‌اند، اسم اعظم یا بخشی از اسامی خداوند است که در برخی از روایات مورد استناد قرار گرفته است. برخی از روایات اسم اعظم را در این حروف مستتر دانسته‌اند (بحرانی، البرهان، ۱۴۱۵: ۴۱/۱)؛ به گونه‌ای که گونه‌ای از این حروف مفسر اسما و صفات الهی هستند (طبرسی، مجمع البیان، ۱۳۷۲: ۱۱۳/۱). در روایتی از امام صادق (علیه السلام) نقل شده است: «الْم هُوَ حَرْفٌ مِنْ حُرُوفِ اسْمِ اللَّهِ الْأَعْظَمِ - الْمُتَقَطَّعِ فِي الْقُرْآنِ الَّذِي حُوِطَ بِهِ النَّبِيُّ ص وَ الْأِمَامُ - فَإِذَا دَعَا بِهِ أُجِيبَ» (قمی، تفسیر القمی، ۱۴۰۴: ۳۰/۱)؛ «الم، یک حرف از حروف اسم اعظم خداست که هر جزئی از آن در جایی از قرآن مجید آمده است و پیغمبر (ص) و امام معصوم (علیه السلام) به مکان آن‌ها آگاهی دارند که با این حروف دعا به اجابت می‌رسد.» همچنین در جای دیگری آمده است: «حم عسق هو حروف من اسم الله الأعظم المقطوع...» (همان: ۲۶۷/۲)؛ حم عسق حرفی از حروف مقطعه است. سیوطی نیز به نقل از سدی آورده است که حروف مقطعه ابتدای سوره‌ها، از اسمای عظمی و حسنای الهی هستند (سیوطی، الدر المنثور، ۱۴۰۴: ۲۳/۱).

برخی از قرآن‌پژوهان با ترکیب این حروف با هم به اسامی همچون الرحمن که ترکیب حروف مقطعه «الر»، «حم» و «ن» به دست آمده است (سیوطی، الاتقان، ۱۳۸۷: ۲۴/۳).

صاحب مجمع البیان نیز به این دیدگاه اشاره کرده و می‌نویسد: «سعید بن جبیر می‌گوید این حروف مفردات پراکنده از اسم اعظم حق‌اند که اگر کسی بتواند آنها را درست با هم ترکیب کند اسم اعظم را خواهد فهمید، مثلاً از ترکیب «الر» و «حم» و «ن» کلمه «الرحمن» به دست می‌آید و همچنین حروف دیگر که تشکیل اسم‌های دیگری را می‌دهد، ولی ما این توانایی را نداریم» (طبرسی، مجمع البیان، ۱۳۷۲: ۱۱۳/۱).

ده. علائم اختصاری درباره خداوند

در برخی از تفاسیر از ترکیب این حروف به معنای علائم اختصاری و نمادین برای جمله‌ای درباره خداوند نتیجه گرفته‌اند. چنانچه از حرف مقطعه «الم» حرف «الف» به کلمه «انا» و حرف «لام» به کلمه «الله» و حرف میم به کلمه «اعلم» تأویل برده شده و به معنای «انا الله اعلم» تفسیر شده است. حرف مقطعه «الر» نیز به «انا الله ادری» و حرف «المص» به جمله «انا الله افصل» تفسیر شده است (کاشانی، منهج الصادقین، ۱۳۸۸: ۳۸/۱).

مسئله نمادین بودن این حروف ریشه در این دیدگاه دارد که هر یک از این حروف نماینده یکی از اوصاف و صفات الهی است و به حقایق و معارفی از علم الهی اشاره دارد که آن حقایق نشان از وجود معارفی خاص در آن سوره دارد (میرداماد، جذوات و مواقیت، ۱۳۸۰: ۱۶۶-۱۶۲). چنانچه در تفسیر تأویلی سوره «ن و القلم» مقصود از «ن» را نوری لایتناهی خداوند دانسته‌اند که تمامی آفرینش را به وسیله همان نور خلق کرده است و «قلم» را به لوح نورانی تفسیر کرده‌اند که تقدیر تمامی آفرینش توسط آن رقم خورده است. صدرالدین قونوی «ن» را دایره کامله وجود دانسته است، آنچه را در قلم بود؛ یعنی تمامی امکانات مخفی در اسامی خداوند را بیرون کشیده است (صدرالدین قونوی، مرآة العارفین، ۱۳۸۷: ۳۱).

درباره حرف مقطعه «کهیص» در ابتدای سوره مریم، این حروف به صفاتی از خداوند معنا شده است، چنانچه «کاف» به معنای کافی؛ «ها» به معنای هادی، «یا» به معنای حکیم، «عین» به معنای علیم و «صاد» به معنای صادق دانسته شده است (ابن قتیبه، تأویل مشکل القرآن، بی تا: ۲۳۰). در روایت دیگری از حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) در تفسیر «الم» الف برای توصیف شش صفت از صفات و اسمای الهی بیان شده است (قشیری، لطائف الاشارات، ۱۹۸۱م: ۵۳/۱).

یازده. قسم

برخی از روایات به قسم بودن این حروف دلالت دارد. چنانچه در متون دعایی ائمه معصومین (علیهم السلام) «یا کهیص» و «یا حم عسق» تعبیر دعایی به میان آمده است (فخر رازی، مفاتیح الغیب، ۱۴۲۰: ۵/۲؛ خاتون‌آبادی، خزائن الانوار و معادن الاخبار، ۱۳۸۶: ۴۷). از ابن عباس و عکرمه نیز نقل شده است که این حروف برای قسم است و خداوند با این حروف (از نام‌های خداوند) قسم یاد کرده است (طبری، جامع البیان فی تفسیر القرآن، ۱۴۱۲: ۶۹/۱).

یکی دیگر از معانی حروف مقطعه که برخی از مفسران به آن اشاره کرده‌اند این است که حروف مقطعه قسم‌هایی هستند که خداوند به علت شرافت کلام الهی به آنها قسم یاد می‌کند (ابن قتیبه، تأویل مشکل القرآن، بی تا: ۱۸۳-۱۸۴؛ طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ۱۴۱۷: ۷/۱۸). صاحب مجمع البیان از ابن عباس نقل کرده است این حروف قسم‌های قرآن است و اخفش می‌گوید: علت اینکه خداوند به این حروف سوگند می‌خورد، شرافت و برتری آنها است؛ زیرا همین حروف شالوده و پایه همه جمله بندی‌ها در کتاب‌های آسمانی است که به زبان‌های مختلف است و نیز اسم‌های الهی و سخن‌گویی مردم همه و همه بر پایه همین حروف است و از ترکیب مختلف همین حروف است که مردم با هم سخن می‌گویند و به ذکر و توحید و ثنای حق می‌پردازند و خدا با این حروف قسم خورده است که قرآن کتاب و کلام اوست. (طبرسی، مجمع البیان، ۱۳۷۲: ۱۱۳/۱).



بوعلی سینا درباره حروف مقطعه «حم» دیدگاه قسم بودن دارد. در اندیشه وی «ح» طبیعت مضاف است که در خلق «م» وقوع یافته است و «یس» قسم و سوگندی به شروع فیض الهی است که در تکوین تمام می شود (ابن سینا، الرسالة النیروزیة، ۱۳۱۸ق: ۹۰-۹۱). همچنین ملاصدرا نیز بر اساس این دیدگاه حروف مقطعه را تفسیر کرده است (صدرالدین شیرازی، تفسیر، ۱۳۶۶: ۱/ ۲۱۶-۲۱۷).

دوازده. ارتباط با قرآن

یکی از دیدگاه هایی که درباره این حروف مطرح شده است که مقام معظم رهبری نیز به آن اشاره کرده است، ارتباط این حروف با قرآن کریم است. رهبر معظم انقلاب درباره این ارتباط می فرماید: «معمولاً جز سه چهار مورد معدود که عرض خواهم کرد، هر جا این حروف به کار رفته، بعد از آن بلافاصله راجع به قرآن سخن گفته شده؛ جز سه مورد به یک معنا و چهار مورد به یک معنا. یک مورد وجود دارد که این حروف به کار رفته و بعد ﴿اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ﴾ (آل عمران، ۲) آمده، آن وقت بعد راجع به قرآن یک جمله ای گفته شده؛ و سه مورد هم هست که بعد از آن راجع به قرآن نیست ...؛ اما وقتی نگاه می کنیم می بینیم که در اغلب این ۲۹ مورد، یعنی در ۲۵ موردش بعد از اینکه این حروف به کار رفته، خدا راجع به قرآن یک چیزی گفته که این هم خودش یک رابطه ای را به ذهن انسان می رساند و معلوم می شود یک رابطه ای بین این حروف و تعریف قرآن و بیان قرآن هست.» (خامنه ای، تفسیر سوره حمد، ۱۴۰۱: ۲۶).

سیزده. معجزه هنری خداوند

یکی از دیدگاه هایی که توسط مقام معظم رهبری درباره این حروف مطرح شده که پیش از ایشان نیز این قول از زبان قرآن شناسان دیگری نیز مطرح شده بود، این است که می فرماید: «خدای متعال با گذاردن این حروف در اوایل بعضی از سوره ها، می خواهد به مخاطب خود که در برابر این کلمات دچار حیرت شده، بفهماند که این کلمات با این شکوه و با این زیبایی و با این عظمت از همین حروف معمولی تشکیل شده است. این یکی از وجوهی است که مفسرین گفته اند. با این توجه اهمیت معجزه بودن هنری قرآن بیشتر آشکار می شود؛ مثل این است که یک معمار چیره دستی، یک بنای بسیار زیبایی را درست کرده، بعد به شما می گوید که بفرمایید این آجر، این گچ، این گل؛ یعنی این بنای با این عظمت، با این زیبایی، از همین مصالح درست شده؛ شما از این مصالح چه می توانی درست کنی؟ ... فاصله عظیم و دره ژرف میان قدرت ناچیز بندگان با قدرت مسطر الهی، با این توجه آشکارتر می شود؛ آن عجب و غروری که منیت انسان را بیدار می کند و بدبختی انسان ناشی از آن است، در مقابل آن شکوه قدرت الهی در خود فرو می ریزد. نشان دادن قدرت خدا، نشان دادن معجزه گری کلام الهی می تواند این باشد» (همان: ۲۷-۲۸).

نتیجه

حروف مقطعه قرآن از جمله حروفی هستند که توجه قرآن پژوهان اسلامی و غربی را به خود جلب کرده اند و هر کدام از ایشان فرضیات و دیدگاه هایی را برای تفسیر این حروف مطرح کرده اند. مستشرقان درباره معانی حروف مقطعه پنج دیدگاه مطرح کرده اند که توسط هیچ کدام از مفسران فریقین تأیید نشده است. این دیدگاه ها عبارتند از: علامت اختصاری از صاحبان مصاحف، نماد آیین یهود، ارتباط این حروف با محتوایی داخلی سوره، علامت اختصاری بسمله و ارتباط این حروف با واژه کتاب. غالب دیدگاه مستشرقان که برگرفته از پیش فرض بشری بودن قرآن کریم است، نشان از این دارد که این علائم توسط برخی از نویسندگان مصاحف نگاشته شده است یا اینکه آیین هایی است که توسط برخی از ادیان در قرآن اضافه شده است. همچنین علائم اختصاری بودن نیز از اقوالی است که توسط مستشرقان در باره این حروف گفته شده است که بسیاری از این دیدگاه ها توسط مفسران نقد شده است و مستند به دلیل قاطعی نیست. در حقیقت دیدگاه مستشرقان بیشتر از طریق حدس و گمان بوده و برای محققان علوم قرآن قانع کننده نیست.

تفاوت های دیدگاه مستشرقان با مفسران فریقین درباره معانی حروف مقطعه این است که غالب دیدگاه های مستشرقان برگرفته از حدس و گمان بوده و در روایات و منابع تفسیری و تاریخی مستند قطعی برای گفته های خود ندارند؛ برخلاف مستشرقان فریقین که در غالب موارد برای گفته های خود مستند عقلی یا نقلی و یا محاوره ای بیان کرده اند. از تفاوت های دیگر درباره معانی این حروف می توان به نظریه برخی از مستشرقان مبنی بر اقتباس این حروف از آیین یهود دانست که در میان مفسران فریقین چنین دیدگاهی مطرح نشده است. همچنین علامت اختصاری بسمله از فرضیه های دیگر مستشرقان است که باز هم در میان مفسران فریقین مسبوق به سابقه نیست.

از موارد تشابه دیدگاه مستشرقان درباره معانی این حروف با مفسران فریقین نیز می توان به ارتباط معنوی این حروف با محتوای آیات، بیان رمز آلود این حروف، و ارتباط این حروف با واژه کتاب که از اندیشه های مشترک درباره معانی حروف مقطعه میان مفسران فریقین و مستشرقان است.

مفسران فریقین نیز درباره شناخت معانی این حروف به دیدگاه هایی اشاره کرده اند که می توان خلاصه دیدگاه های آنان را در موارد زیر ذکر کرد: حروف رمزی بین خداوند و رسول خدا ﷺ، آیات متشابه، حروف مجرده، نام سوره، علامت شروع سوره ها، ارتباط عددی و ریاضی، ارتباط محتوایی این حروف با سوره ها، نشانه اعجاز قرآن، نشان از اسم اعظم، نشان علائم اختصاری و حروفی برای قسم. معانی مطرح شده از طرف مفسران فریقین نیز قابل اثبات نبوده و نمی توان معنای جامعی از معانی این حروف کسب کرد. از این رو معانی این حروف همچنان به صورت رمز آلود باقی مانده و تفسیر معتبری از آن نمی توان ارائه داد.



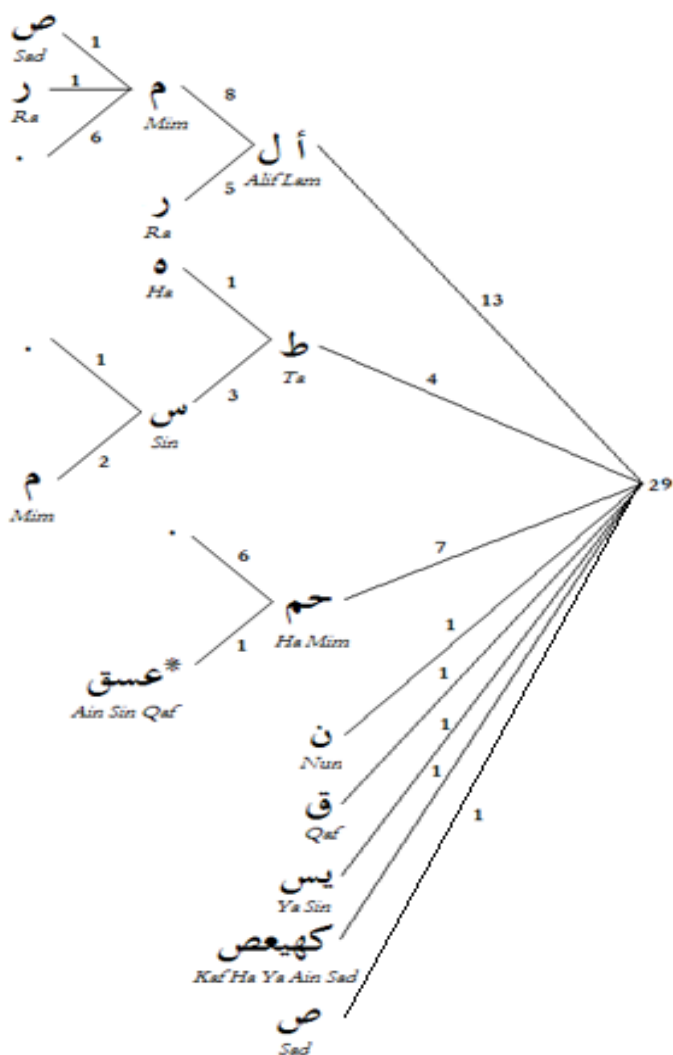
یکی از مهمترین دیدگاه‌هایی که توسط مفسران فریقین مطرح شده است، ارتباط معنایی و مفهومی این حروف و محتوای کلی سوره‌ای است که در آن حروف مقطعه آمده است. چنان‌که علامه طباطبایی در این زمینه می‌نویسد: با توجه به شباهت‌هایی که بین این حروف است ممکن است حدس زده شود که بین این حروف و مضامین سوره‌ای که با این حروف آغاز شده ارتباط خاصی باشد، مؤید این حدس آن است که می‌بینیم سوره اعراف که با «المص» آغاز شده، مطالبی را که در سوره‌های «الم» و سوره «صاد» هست در خود جمع کرده و نیز می‌بینیم سوره رعد که با حروف «الم» افتتاح شده، مطالب هر دو قسم سوره‌های «الم» و «الم» را دارد. از این جا استفاده می‌شود که این حروف رموزی هستند بین خدای تعالی و پیامبرش که معنای آنها از ما پنهان است و فهم عادی ما راهی به درک آنها ندارد؛ مگر به همین مقدار که حدس بزنیم بین این حروف و مضامینی که در سوره‌های هر یک آمده ارتباط خاصی هست.

در دیدگاه مقام معظم رهبری بین این حروف با قرآن کریم ارتباط معنایی وجود دارد؛ زیرا در غالب موارد این حروف به همراه قرآن آمده است. همچنین این حروف بر معجزی هنری قرآن دلالت دارند؛ چنین کتابی که از ترکیب حروف مقطعه به ظاهر بی‌معنا ساخته شده است، نشان‌دهنده قدرت و سیطره نامحدود مصدر و منشأ آن و هنری بودن این اثر است.

جدول (۱): سوره‌های حروف مقطعه در قرآن

ردیف	نام سوره	حروف مقطعه	ردیف	نام سوره	حروف مقطعه	ردیف	نام سوره	حروف مقطعه
۱	بقره	الم	۱۱	طه	طه	۲۱	غافر	حم
۲	آل عمران	الم	۱۲	شعراء	طسم	۲۲	فصلت	حم
۳	اعراف	المص	۱۳	نمل	طس	۲۳	شوری	حم عسق
۴	یونس	الر	۱۴	قصص	طسم	۲۴	زخرف	حم
۵	هود	الر	۱۵	عنکبوت	الم	۲۵	دخان	حم
۶	یوسف	الر	۱۶	روم	الم	۲۶	جاثیه	حم
۷	رعد	الم	۱۷	لقمان	الم	۲۷	احقاف	حم
۸	ابراهیم	الر	۱۸	سجده	الم	۲۸	ق	ق
۹	حجر	الر	۱۹	یس	یس	۲۹	قلم	ن
۱۰	مریم	کهیصص	۲۰	ص	ص			

جدول (۲): نمودار درختی تعداد حروف مقطعه قرآن





منابع

۱. قرآن کریم، ترجمه: محمدعلی رضایی اصفهانی و جمعی از اساتید جامعة المصطفی، انتشارات المصطفی، قم: چاپ دوم، ۱۳۸۸.
۲. آلوسی، سید محمود، روح المعانی، بی‌نا، بیروت: ۱۴۰۵ ق.
۳. ابن سینا، «الرسالة النیروزیة»، تسع رسائل فی الحکمة و الطبیعیات، بی‌نا، بمبئی: ۱۳۱۸ ق.
۴. ابن قتیبه، عبدالله بن مسلم، تأویل مشکل القرآن، تحقیق: ابراهیم شمس‌الدین، دار الکتب العلمیه، بیروت: بی‌تا.
۵. ابن کثیر، عمدة التفسیر، به کوشش احمد محمد شاکر، مکتبة التراث الاسلامی، قاهره: بی‌تا.
۶. ابوالفتوح رازی، حسین بن علی، روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، چاپ محمدجعفر یاحقی و محمدمهدی ناصح، مشهد: ۱۴۰۸.
۷. ابوزید، نصر حامد، معنای متن، ترجمه: مرتضی کریمی‌نیا، طرح نو، تهران: ۱۳۸۰ ش.
۸. اخوان مقدم، زهره، حسینی فهرجی، فاطمه. مطالعه تطبیقی آراء تفسیری مغنیه و سیدقطب در موضوع وجوه اعجاز قرآن کریم. مطالعات تفسیر تطبیقی، ۸(۱)، ۷۲-۹۵، ۱۴۰۲.
۹. بازگان، عبدالعلی، حروف مقطعه قرآن، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران: ۱۳۷۹.
۱۰. بحرانی، سید هاشم، البرهان فی تفسیر القرآن، البعثة، قم: ۱۴۱۵ ق.
۱۱. بلاشر، رژی، در آستانه قرآن، ترجمه محمود رامیار، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران: ۱۳۶۵ ش.
۱۲. جوادی آملی، عبدالله، تفسیر تسنیم، اسراء، قم: ۱۳۸۵.
۱۳. حسینی شریفی، ابوالقاسم، آیات الولاية، چاپ سنگی، بی‌جا: بی‌تا.
۱۴. حسینی اصل خسروشاهی، سید رسول، اسرار حروف مقطعه در آیات الهی، عاصم، تبریز: ۱۳۹۶.
۱۵. خاتون‌آبادی، محمدرضا، خزائن الانوار و معادن الاخبار، به کوشش مریم ایمانی خوشخو، تهران: ۱۳۸۶ ش.
۱۶. خامنه‌ای، سیدعلی، تفسیر سوره حمد، انقلاب اسلامی، تهران: ۱۴۰۱.
۱۷. خلیفه، رشاد، اعجاز قرآن: تحلیل آماری حروف مقطعه، ترجمه: محمدتقی آیت‌اللهی، دانشگاه شیراز، شیراز: ۱۳۶۵.
۱۸. خودنما، محمدرضا، دیدگاهی نو درباره حروف مقطعه قرآن کریم، آفرین، همدان: ۱۳۷۹.

۱۹. رحمانی فرد، حسین، بررسی دیدگاه‌ها درباره حروف مقطعه و روایات آن، بوستان کتاب، قم: ۱۳۹۴.
۲۰. رنجبر، علی رضا، کشف جدید از اعجاز حروف مقطعه قرآن، عطر یاس، قم: ۱۳۹۲.
۲۱. زرکشی، محمد، البرهان فی علوم القرآن، به کوشش یوسف عبدالرحمان مرعشلی و دیگران، بیروت: ۱۴۱۰ق.
۲۲. زمخشری، محمود، الکشاف عن حقائق غوامض کتاب، دار الكتاب العربی، بیروت: ۱۴۰۷ق.
۲۳. سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر، الاتقان، به کوشش: محمد ابوالفضل ابراهیم، قاهره: ۱۳۸۷ق.
۲۴. —، الدر المنثور فی تفسیر المأثور، کتابخانه مرعشی نجفی، قم: ۱۴۰۴ق.
۲۵. شراره، عبدالجبار، پژوهشی در حروف مقطعه قرآن کریم، ترجمه: علی حسین احتشامی، دانشگاه آزاد اسلامی، همدان: ۱۳۹۵.
۲۶. شلتوت، شیخ محمود، تفسیر القرآن الکریم، بی نا، تهران: ۱۳۷۹ش.
۲۷. صدرالدین شیرازی، محمد، تفسیر القرآن الکریم، به کوشش محمد خواجهی، بیدار، قم: ۱۳۶۶.
۲۸. صدرالدین قونوی، محمد، مرآة العارفین، به کوشش محمد خواجهی، تهران: ۱۳۸۷ش.
۲۹. الطاهر، علی نصوح، حروف آغازین در قرآن کریم، ترجمه نصرالله امامی، جهاد دانشگاهی خوزستان، اهواز: ۱۳۷۲.
۳۰. طباطبایی، محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه، قم: ۱۴۱۷.
۳۱. —، قرآن در اسلام، بی نا، تهران: ۱۳۶۱ش.
۳۲. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تحقیق: محمدجواد بلاغی، ناصر خسرو، تهران: ۱۳۷۲ش.
۳۳. طبری، محمد بن جریر، جامع البیان فی تفسیر القرآن، دار المعرفه، بیروت: ۱۴۱۲.
۳۴. طوسی، محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، تحقیق: احمد قصیر عاملی، دار احیاء التراث العربی، بیروت: بی تا.
۳۵. عدل، سعد عبدالمطلب، هیروگلیف در قرآن کریم: (تفسیری نوین از حروف مقطعه)، ترجمه: حامد صدقی، حبیب الله عباسی، سخن، تهران: ۱۳۸۸.
۳۶. عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، تحقیق: سیدهاشم رسولی محلاتی، چاپخانه علمیه، تهران: ۱۳۸۰ق.



۳۷. فتحی، عزیز، تفسیر جامع حروف مقطعه قرآن و ده‌ها معجزه در آن، احسان، تهران: ۱۳۹۵.
۳۸. فخر رازی، محمد بن عمر، مفاتیح الغیب، دار احیاء التراث العربی، بیروت: ۱۴۲۰ق.
۳۹. قشیری، عبدالکریم، لطائف الاشارات، قاهره: ۱۹۸۱م.
۴۰. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، تحقیق سید طیب جزائری، دارالکتاب، قم: ۱۴۰۴.
۴۱. کاشانی، ملا فتح الله، منهج الصادقین فی الزام المخالفین، به کوشش حسن حسن‌زاده آملی، قم: ۱۳۸۸ش.
۴۲. کامرانیان، عباسعلی، نظر مفسران درباره حروف مقطعه، نشر نور قرآن و اهل بیت (علیهم‌السلام)، تهران: ۱۳۹۸.
۴۳. مقاتل بن سلیمان، التفسیر، به کوشش عبدالله شحاته، قاهره: ۱۴۲۲ق.
۴۴. بابایان، طیه و اقبالی، مسعود. بررسی هماهنگی موسیقی کناری سور حوامیم از رهگذر سبک‌شناسی آوایی. دو فصلنامه مطالعات سبک شناختی قرآن کریم، سال چهارم (شماره دوم)، پاییز و زمستان ۱۳۹۹.
۴۵. منصور، عبدالقادر محمد، الحروف النورانية فی فواتح السور القرآنیة، حلب: دارالعرفان، دارالالباب، دمشق: ۱۴۱۷ق.
۴۶. موسوی بلده، سید محسن، حلیة القرآن: سطح ۲ آموزش تجوید قرآن به روایت حفص از عاصم، احیاء کتاب، تهران: ۱۳۸۱.
۴۷. میرداماد، محمدباقر، جذوات و مواقیت، به کوشش علی اوجبی، تهران: ۱۳۸۰ش.
۴۸. نوروزی، مجتبی، پژوهشی در نظریه «اعجاز عددی و ریاضی قرآن»، پژوهش‌های قرآنی، ویژه‌نامه قرآن و خانواده، شماره ۴۸، ۱۳۸۵.
۴۹. واحدی نیشابوری، ابوالحسن علی بن احمد، أسباب نزول القرآن، دارالکتب العلمیة، بیروت: ۱۴۱۱ق.
۵۰. یزدانی، عباس، اعجاز عددی و نظم ریاضی قرآن، مجاه کیهان اندیشه، شماره ۶۷، ۱۳۷۵.
51. El2 "Al-Kuran 4: structure.d: the mysterious letters" by A.T. Welch.
52. Hartwig Hirschfeld, New research into the composition and exegesis of the Quran, London, 1902.
53. Regis Blachere, Introduction au Coran, Paris, 1977.
54. Theodor Noldeke, Geschichte des Qorans, Leipzig, 1909.



Resources

1. *Quran – e – Karim (Th Holy Quran)*, Rezaei Esfahani, Mohammad Ali and A Group of Professors from Al-Mustafa University, *Quran-e Karim (The Noble Qur'an)*, Al-Mustafa Publications, Qom: 2nd Edition, 1388 SH (2009 CE).
2. Abu al-Futuh Razi, *Rawd al-Jinan wa Ruh al-Janani fi Tafsir al-Qur'an (The Garden of Paradise and the Soul of the Heavens in Quranic Exegesis)*, Published by Mohammad Jafar Yahiqi and Mohammad Mahdi Nasih, Mashhad: 1408 AH (1987 CE).
3. Abu Zaid, Nasr Hamed, *Ma'na al-Matn (The Meaning of the Text)*, Translated by Morteza Karimi-Nia, Tarh-e Now, Tehran: 1380 SH (2001 CE).
4. Adl, Saad Abdul Matlub, *Hieroglyph in the Holy Quran: (A New Commentary on the Disjointed Letters)*, Translated by Hamed Sadeghi and Habibullah Abbasi, Sokhan, Tehran: 1388 SH (2009 CE).
5. Ālūsī, Sayyid Mahmoud, *Ruh al-Ma'ani (Spirit of the Meanings)*, n.p., Beirut: 1405 AH (1985 CE).
6. Akhavan Moqaddam, Zahra; & Hosseini Fehreji, Fatemeh (1402 SH / 2023 CE). Motale'e Tatbiqi-e Ara'-e Tafsiri-e Moghniyye va Seyyed Qotb dar Mozoo'e Vojoh-e E'jaz-e Quran-e Karim (Comparative Study of Interpretive Views of Moghniyyah and Sayyed Qotb on the Topic of Quranic Miracles). Motale'at-e Tafsir-e Tatbiqi (Comparative Interpretation Studies), 8(1), 72-95.
7. Ayyashi, Mohammad Bin Masoud, *Kitab al-Tafsir (The Book of Exegesis)*, Researched by Seyyed Hashem Rasouli Mahallati, Scientific Printing House, Tehran: 1380 AH (2001 CE).
8. Bahrani, Seyyed Hashem, *Al-Burhan fi Tafsir al-Quran (The Proof in the Interpretation of the Quran)*, Al-Beth, Qom: 1415 AH (1995 CE).
9. Babayian, Tayyebbeh; & Iqbali, Masoud (1399 SH / 2020 CE). Barrasi Hamahangi-e Musiqi-e Kenari-e Sura-ye Hawamim az Rahguzar-e Sabk-e Shenasi-e Avayi (An Investigating the Harmony of Side Musics of Chapters Hawamim from the Perspective of Stylistic Vocalism). Dov-Faslnameh-e Motale'at-e Sabk-e Shenakhti-ye Quran-e Karim (Bi-Annual Journal of Cognitive Stylistic Studies of the Holy Quran), 4(2), Fall and Winter 1399 SH (2020 CE).
10. Bazaragan, Abdul Ali, *Haruf Muqatta'ah Quran (Disjointed Letters of the Quran)*, Islamic Culture Publication Office, Tehran: 1379 SH (2000 CE).



11. Blachère, Régis, *Dar Astaneh Quran (At the Threshold of the Quran)*, Translated by Mahmoud Ramyar, Islamic Culture Publishing Office, Tehran: 1365 SH (1986 CE).
12. El2 “*Al-Kuran 4: Structure.d: the Mysterious Letters*” by A.T. Welch.
13. Fakhr al-Razi, Mohammad Bin Umar, *Mafatih al-Ghayb (Keys to the Unknown)*, Dar Ihya al-Turath al-Arabi, Beirut: 1420 AH (1999 CE).
14. Fathi, Aziz, *Tafsir Jam’ Haruf Muqatta’a Quran va Dahhah Mo’jiza dar An (Comprehensive Exegesis of the Disjointed Letters of the Quran and the Miracles in Them)*, Ehsan, Tehran: 1395 SH (2016 CE).
15. Hartwig Hirschfeld, *New Research into the Composition and Exegesis of the Quran*, London, 1902.
16. Hosseini Asl Khosroshahi, Seyed Rasoul, *Asrar Haruf Muqatta’ah dar Ayat-e Ilahi (The Mysteries of Disjointed Letters in Divine Verses)*, Asim, Tabriz: 1396 SH (2017 CE).
17. Hosseini Sharifi, Abul Qasim, *Ayat al-Wilayah (Verses of Authority)*, Lithographic Print, n.d.
18. Ibn Kathir, *Umdat al-Tafsir (The Best Interpretation)*, Prepared by Ahmed Mohammad Shakir, Maktabah al-Turath al-Islamiyyah, Cairo: n.d.
19. Ibn Qutaybah, *Ta’wil Mushkil al-Qur’an (Interpretation of the Difficulties in the Quran)*, Edited by Ibrahim Shams al-Din, Dar al-Kutub al-Ilmiyah, Beirut: n.d.
20. Ibn Sina, *Al-Risalat al-Nayrooziyah (The Nayrooziyah Treatise)*, Nine Treatises on Wisdom and Physics, n.p., Mumbai: 1318 AH (1900 CE).
21. Javadi Amoli, Abdullah, *Tafsir Tasnim (Tasnim Commentary)*, Esra Publications, Qom: 1385 SH (2006 CE).
22. Kamraniyan, Abbas Ali, *Nazar Mufasssiran darbareh Huruf Muqatta’ah (Perspectives of Commentators on the Disjointed Letters)*, Noor Quran and Ahl al-Bayt Publications, Tehran: 1398 SH (2019 CE).
23. Kashani, Mulla Fathullah, *Manhaj al-Sadqain fi Azam al-Mukhalifin (The Way of the Two Truthful in the Obligation of Opposers)*, Edited by Hassan Hassan Zadeh Amoli, Qom: 1388 SH (2009 CE).
24. Khalifa, Rashad, *I’jaz Quran: Tahlil Amari Huruf Muqatta’at (The Miracle of the Quran: Statistical Analysis of Disjointed Letters)*, Translated by Mohammad Taghi Ayatollahi, Shiraz University, Shiraz: 1365 SH (1986 CE).

25. Khamenei, Sayyid Ali, *Tafsir Surah Hamd (Commentary on Surah Hamd)*, Islamic Revolution Publications, Tehran: 1401 AH (1981 CE).
26. Khatunabadi, Mohammad Reza, *Khazain al-Anwar wa Ma'adin al-Akhbar (Treasures of Lights and Mines of Narrations)*, Compiled by Maryam Imani Khoshkhou, Tehran: 1386 SH (2007 CE).
27. Khodnama, Mohammad Reza, *Didgah-e Nou dar Bare-ye Haruf-e Muqatta'ah-e Quran Karim (A New Perspective on the Disjointed Letters of the Quran Karim)*, Afrin, Hamadan: 1379 SH (2000 CE).
28. Mansour, Abdul Qadir Mohammad, *Al-Haruf al-Nuraniyya fi Fawateh al-Suwar al-Quraniyya (The Luminous Letters in the Openings of Quranic Verses)*, Eleppo, Dar al-Irfan, Dar al-Albab, Damascus: 1417 AH (1996 CE).
29. Mirdamad, Mohammad Baqir, *Jazwat va Mawaghit (Points and Occasions)*, Edited by Ali Owjabi, Tehran: 1380 SH (2001 CE).
30. Mousavi Baladeh, Seyed Mohsen, *Hilyat al-Quran: Sat'h 2 Amoozesh Tajweed Quran be Ravayat Hafs az Asim (Adornment of the Quran: Level 2 Quran Tajweed Training in the Narration of Hafs from Asim)*, Ihya Ketab, Tehran: 1381 SH (2002 CE).
31. Muqatil Bin Sulayman, *Al-Tafsir (The Exegesis)*, Researched by Abdullah Shahata, Cairo: 1422 AH (2001 CE).
32. Nouruzi, Mojtaba, *Pazhuhishi dar Nazariyyah Ejaz Adadi wa Riyazi Quran (Research on the Theory of "Numerical and Mathematical Miracles of the Quran")*, Quranic Research, Special Issue of Quran and Family, No. 48, 1385 SH (2006 CE).
33. Qashayri, Abdul Karim, *Lata'if al-Isharat (The Subtleties of Indications)*, Cairo: 1981 AD (1401 AH).
34. Qomi, Ali Bin Ibrahim, *Tafsir Qomi (Qomi's Exegesis)*, Researched by Seyyed Tayyeb Jazayeri, Dar al-Ketab, Qom: 1404 AH (1983 CE).
35. Rahmani-Fard, Hossein, *Barresi Didgahaha ye Darbare Huruf Muqatta'ah wa Rivayat (An Examination of Perspectives on Muqatta'at and Narratives)*, Bostan Ketab, Qom: 1394 SH (2015 CE).
36. Ranjabar, Ali Reza, *Kashf Jadid az I'jaz-e Haruf Muqatta'ah-e Quran (New Discovery on the Miracle of Disjointed Letters of the Quran)*, Atre Yas, Qom: 1392 SH (2013 CE).
37. Regis Blachere, *Introduction au Coran*, Paris, 1977.



38. Sadr al-Din Qunawi, Mohammad, *Mira'at al-'Arifin (The Mirror of the Gnostics)*, Edited by Mohammad Khwajavi, Tehran: 1387 SH (2008 CE).
39. Sadr al-Din Shirazi, Mohammad, *Tafsir al-Quran al-Karim (Interpretation of the Holy Quran)*, Edited by Mohammad Khwajavi, Bidar, Qom: 1366 SH (1987 CE).
40. Shaltout, Sheikh Mahmoud, *Tafsir al-Quran al-Karim (Interpretation of the Holy Quran)*, n.p., Tehran: 1379 SH (2000 CE).
41. Shararah, Abdul Jabbar, *Pazhushi dar Haruf Muqatta'a Quran Karim (Research on the Disjointed Letters of the Holy Quran)*, Translated by Ali Hossein Ehteshami, Islamic Azad University, Hamedan: 1395 SH (2016 CE).
42. Suyuti, Abdul Rahman Bin Abi Bakr, *Al-Durr al-Manthur fi Tafsir al-Mathur (The Scattered Pearls in Exegesis by the Traditions)*, Marashi Najafi Library, Qom: 1404 AH (1983 CE).
43. Suyuti, Abdul Rahman Bin Abi Bakr, *Al-Itqan (The Perfection)*, Edited by Mohammad Abulfazl Ibrahim, Cairo: 1387 AH (1967 CE).
44. Tabari, Mohammad Bin Jarir, *Jami' al-Bayan fi Tafsir al-Quran (The Comprehensive Collection in Quranic Exegesis)*, Dar al-Ma'refah, Beirut: 1412 AH (1991 CE).
45. Tabatabai, Mohammad Hossein, *Al-Mizan fi Tafsir al-Quran (The Scale in Quranic Interpretation)*, Office of Islamic Publications of the Seminary Teachers, Qom: 1417 AH (1996 CE).
46. Tabatabai, Mohammad Hossein, *Quran dar Islam (Quran in Islam)*, n.p., Tehran: 1361 SH (1982 CE).
47. Tabrasi, Fazl Bin Hassan, *Majma al-Bayan fi Tafsir al-Quran (The Compilation of Explanation in Quranic Exegesis)*, Researched by Mohammad Javad Balaghi and Naser Khosrow, Tehran: 1372 SH (1993 CE).
48. Tahir, Ali Nasuh, *Haruf Aghazin dar Quran Karim (The Beginning Letters in the Holy Quran)*, Translated by Nasrollah Imami, Khuzestan University Jihad, Ahvaz: 1372 SH (1993 CE).
49. Theodor Noldeke, *Geschichte des Qorans*, Leipzig, 1909.
50. Tusi, Mohammad Bin Hasan, *Al-Tibyan fi Tafsir al-Quran (The Elucidation in Quranic Exegesis)*, Researched by Ahmad Qasir Ameli, Dar Ihya al-Turath al-Arabi, Beirut. n.d.

51. Wahidi Neyshaburi, Abul Hasan Ali Bin Ahmad, *Asbab al-Nuzul al-Quran (The Reasons for Revelation of the Quran)*, Dar al-Kutub al-Ilmiyah, Beirut: 1411 AH (1991 CE).
52. Yazdani, Abbas, *I'jaz Adadi va Nazm Riyazi Quran (Numerical Miracles and Mathematical Order of the Quran)*, Majaleh Kayhan Andishe, No. 67, 1375 SH (1996 CE).
53. Zamakhshari, Mahmoud, *Al-Kashaf 'an Haqa'iq Ghawamid al-Kitab (The Unveiling of the Truths of the Secrets of the Book)*, Dar al-Ketab al-Arabi, Beirut: 1407 AH (1987 CE).
54. Zarkashi, Mohammad, *Al-Burhan fi Ulum al-Qur'an (The Proof in the Sciences of the Quran)*, Compiled by Youssef Abdul Rahman Mara'shli et al., Beirut: 1410 AH (1990 CE).